

## وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

### (بخش هشتم)

#### اوضاع در ولایت قندوز

گزینش ولایت قندوز برای گروه طالبان، حامیان خارجی و متحدان عربی، چینی، ازبکی (اعضای حزب التحریر به رهبری طاهر یلداش) و پاکستانی آنها، از همان ابتدا بخاطر پیشبرد برنامه های تروریستی شان به دو سوی دریای آمو، (علیه رژیم های تاجیکستان، ازبکستان، قرغزستان وحتا چین و روسیه...)، بخصوص از نظر سوق الجیشی و ارتباطات نظامی و اطلاعاتی در منطقه، با ارزش بود. بنابراین، چندین هزار نیروی مسلح آنان به شمول افسران و جنرالان پاکستانی و نیز حامیان استخبارات خارجی آنها در این ولایت مستقر گردیده بودند. چنانکه قبلاً نیز تذکر داده شد، تعدادی از بلند پایه گان نظامی و شبکه جاسوسی ارتش پاکستان، باساس توافق پنهانی که میان اسلام آباد- لندن- واشنگتن بعمل آمده بود، قبل از آغاز حملات امریکایی ها، توسط هلیکوپترهای نظامی، بخصوص در تاریکی شب از قندوز بیرون کشیده شدند. نه تنها صد ها افسر نظامی و استخباراتی شان را توسط پرواز های شبانه نجات دادند، بلکه صد ها رهبر بلند پایه گروه طالبان، القاعده و سایر تروریست های خارجی را نیز از قندوز به پاکستان منتقل نمودند. شاهدان عینی اظهار داشتند که پرواز طیاره های نظامی پاکستان، پس از نیمه های شب آغاز و علی رغم اعتراضات و تماسگیریهای فرماندهان ائتلاف شمال، بخصوص جنرال داوود فرمانده نظامی جبهه قندوز با نظامیان امریکایی، همچنان طی چندین پرواز ادامه یافت.

در صفحه 604 و 605 کتاب " جنگ افغانستان " به قلم پیتر تامسن، در مورد وضعیت قندوز میخوانیم : " قندوز استثناً بود. یک نیروی پنجهزار نفری مربوط به اتحاد نامقدس در این شهر، در محاصره افتاده بود. به قول احمد رشید ژورنالیست پاکستانی، صد ها افسر و سرباز آی. اس . آی در تله گیر افتاده بودند. قندوز مرکز نظامی و ذخیره گاه سلاح و مهمات پاکستانی ها علیه نیرو های مسعود و مرکز تجمع جنرالان و اجنت های آی . اس . آی بود..."

جریان نقل و انتقال افسران، جاسوسان و مشاوران ارشد نظامی پاکستان از قندوز به سوی پاکستان، آنهم با استفاده از تاریکی شب، آنقدر مشهود بود که حتا مقام های امریکایی نتوانستند آنرا رد نمایند. چنانکه شبکه خبرگزاری (بی.بی.سی)، راپور مفصل تصویری و مستند در این مورد، از طریق برنامه تلویزیونی پخش نمود که ملیونها نفر آنرا حتا از طریق " یوتوپ " نیز مشاهده نمودند.

"انتنی دیویز"، یکی از تحلیلگران آسترالیایی، تعداد افسران نظامی پاکستان در قندوز و تالقان را پنجمصد نفر میگوید و آنان را مربوط به لشکر (جی-9) در ایالت سرحد شمال غربی پاکستان میدانند. اما اسناد دیگری که به اختیار مؤلف قرار دارند، افشا میکنند که افسران مذکور، متعلق به نیروی نظامی پاکستان بنام " اس.اس.جی" یا گروه خدمات ویژه میباشد.

در شب و روزیکه قندوز زیر بمباران طیاره های امریکایی و در حلقه محاصره " ائتلاف شمال" قرار داشت، برخی از طالبان افغان تبار، یا میخواستند فرار کنند و یا به نیروهای " ائتلاف" تسلیم شوند، ولی، باسناد اظهارات شاهدان عینی که توانسته بودند از معرکه جان بدر برند، تروریستان خارجی، بخصوص طالبان چینی، عربی و پاکستانی مربوط به سازمان " القاعده"، با زور سلاح، مانع این اقدام آنها میشدند.

. چنانکه، یکی از شاهدان عینی بنام (احمد وحید) به منابع ضد طالبان گفت که : " او به چشم خودش دیده که طالبان خارجی به تعداد چهارصد طالب افغان تبار را که میخواستند تسلیم شوند، به رگبار بستند. "

درعین حال، بتاريخ چهاردهم ماه دسامبر 2001 میلادی گزارش داده شد که یک هلیکوپتر حامل بیست و یک تن از طالبان اسیر و سه فرمانده "ائتلاف شمال" در نزدیکی های شهر فرخار سقوط نموده و موجب مرگ همه سرنشینانش گردید. تعداد مجموعی سرنشینان هلیکوپتر، چگونه گی سقوط و سایر مشخصات آن کاملاً روشن نشد و اما اینقدر گفته شد که فرماندهان کشته شده عبارت بودند از محمد مصطفی سابق محافظ احمد شاه مسعود، ارباب محمد هاشم و میرزا نصری. هویت طالبان اسیر شده هرگز افشا نشد.



طالبان اسیر شده در قندوز

ماجرای قندوز و مزار پس از بمباران شدید و محاصره نظامی که منجر به تسلیمی گروه لجوج القاعده و طالبان گردید، بسیار جالب بود. بدین معنا که به تعداد پنجهزار (وبقولی، پانزده هزار) از تنفگذاران طالبی و جنگجویان خارجی که در قندوز باقی مانده بودند، مجبور شدند پس از شکست مقاومت های مسلحانه شان، در نتیجه مذاکره و تماسگیری های فرماندهان هردو جانب، بتاريخ بیست و پنجم ماه نوامبر 2001م به سران "ائتلاف شمال" تسلیم شوند. به قول جنرال محمد داوود که فرماندهی نیروهای "ائتلاف شمال" در جبهه

قندوز را بدوش داشت، " به تعداد شش هزار طالب خارجی از کشورهای چین، عربستان سعودی، برما، پاکستان، بنگله دیش و غیره در قندوز حضور داشتند. "

(جنرال داوود در سال 2011م در اثر انفجار انتحاری در شهر تالقان به قتل رسید )

یکی از طالبان خارجی بنام " صالح " سی و یک ساله و شهروند عربستان سعودی که توسط نیرو های " ائتلاف شمال " اسیر شده بود، ضمن مصاحبه یی در زندان گفت : " ما مخالف امریکا و روسیه هستیم . ما به جنگ خویش علیه این دو قدرت ادامه میدهیم. " ، ولی اینکه این تبعه عربستان سعودی و اتباع سایر کشورها چرا نمی روند بجای افغانستان، در سرزمین های خود شان علیه نیروهای خارجی ویا رژیم های عیاش و مستبد عربی برزمند، جای سوال است؟ بعضی از مبصرین سیاسی نوشتند که " چرا اسلام دستان عربستان سعودی به سرزمین اشغالی فلسطین نه می روند تا علیه نیرو های یهودی به منظور آزاد سازی برادران مسلمان و آواره فلسطینی خویش بپردازند؟ "



ملا فاضل یکی از سرکرده های طالبان در قندوز و مذاکره کننده با جبهه متحد

اعضای سازمان تروریستی " القاعده" و سایر افراد خارجی، در جریان سالهای جهاد ضد اشغالگران روسی، پس از تمرینات نظامی و تخریبی در خاک پاکستان، به همکاری تنگاتنگ مقام های ( سی.ای.ای) بخاک افغانستان سرازیر شده و حتا در چارچوب "تنظیم" های جهادی مانند حزب اسلامی گلبدین حکمتیار اتحاد اسلامی سیاف، جمعیت اسلامی ربانی و سایر تشکلات جهادی جابجا گردیده و به خونریزی و قتل در افغانستان ادامه دادند.



صحنه یی از جنگ در قندوز

" پیتر تامسن" که چندین سال بعنوان سفیر امریکا نزد مجاهدین افغان مشغول بکار بود، در کتاب خویش بنام " جنگ افغانستان" مینویسد : " قبل از سقوط رژیم نجیب الله، ملیشه های عرب به خاک پاکستان و افغانستان سرازیر شده ترسیمی از یک اتحاد نا مقدس بین المللی را به نمایش گذاردند... تنها تعداد جنگویان مصری در سال 1994 میلادی بالغ بر یک هزار و دوصد نفر میشد... پایگاه های آموزشی آنها در مناطق شرقی افغانستان قرار داشتند... فرزند عمر عبدالرحمن {نابینا}، پایگاه های جدید آموزشی را در هشت مایلی شمال جلال آباد ( درونته ) تأسیس نمود و القاعده نیز مواد و وسایل کمیای را برای آنان فراهم آورد... " (11)

بخش تلویزیونی " گلوبال ریسرچ " در ماه جون سال 2013م خویش، کلیپ ویدیویی مربوط به یک سخنرانی خانم هیلاری کلنتن وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا را به نشر رسانید که خطاب به نماینده گن کانگره آن کشور، با صراحت و بدون پنهانکاری میگفت: " ما امریکایی ها سازمان القاعده را ساختیم ... ما در نزدیکی و همکاری با آی.اس.آی تروریسم را پروریدیم ... ما وهابی های تندرو و تروریست را از سراسر جهان گرد آوردیم و ..."

در یک گزارش دیگر آمده بود که:

" مجموعاً حدود چهار هزار نفر عرب جهادی (در سالهای جهاد) در افغانستان کشته شده اند که از آن جمله، 433 نفر از عربستان سعودی، 626 نفر از مصر، 184 نفر از سودان، 155 نفر از لیبیا، 180 نفر از سوریه، 540 نفر از الجیریا، و 155 نفر از تونس بزه است. " (12)

باید متذکر شد که تعداد زیادی از همین عربهای جهادی، اعضای " لشکر طیبه"، " حرکت المجاهدین" و منسوبین استخبارات نظامی پاکستان بودند که در سالهای پس از 1992م به دستور آی.اس.آی پاکستان و در چهارچوب حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و عبدالرب رسول سیاف شهر کابل را به ویرانه مبدل نموده و دود از دمار اِاهالی بی تقصیر آن کشیدند. بر میگردیم به رویداد های ولایت قندوز:

اهالی قندوز، در عین حالیکه از شکست نیرو های مسلح طالبان و تروریستهای عرب در آن ولایت خورسند بودند، دستگیریها، لت و کوب و کشتار جنگجویان مذکور توسط نیروهای "ائتلاف" را نیز نظاره میکردند. "سلیم محمد" یکی از فرماندهان " ائتلاف شمال" بتاریخ بیست و هفتم ماه نوامبر، یعنی در اوایل برخوردهای مسلحانه برای خبرنگاران در قندوز گفت: " تا حال به تعداد یکصد نفر از هر دو طرف کشته شده اند." که این خود، شدت عملیات نظامی در شهر قندوز را نشان میدهد. باید گفت که یکی از رهبران گروه طالبان در ولایت قندوز، " ملا فاضل " نام داشت که مسوولیت مذاکرات مربوط به تسلیمی نیروهایش به جانب " ائتلاف شمال " را بعهده داشت.



تعدادی از اعضای سازمان تروریستی القاعده که در قندوز اسیر شده اند

## وضعیت جنگ در مزار

افراد تسلیم شده توسط صد ها عراده ترکِملکی و نظامی از قندوز به مزار، که قبل از آن به تصرف نیروهای عبدالرشید دوستم درآمده بود، انتقال داده شده عمدتاً در "قلعه جنگی" و "قلعه جنگی" آن شهر محصور گردیدند. افراد القاعده و گروه طالبان، با مشاهده اوضاع خاص و نحوه پیشآمد ها، خطر جانی را احساس نموده بار دیگر در داخل "قلعه جنگی" و خارج از آن دست به مقاومت مرگ و زنده گی زدند که این مقاومت مسلحانه، مدت سه شبانه روز ادامه یافت. مقاومت از آنجا آغاز گردید که تتی چند از طالبان، با یک حمله ناگهانی بالای محافظان مسلح و غصب سلاح های آنها، به شلیک بالای سایر محافظان پرداختند و خودشان را به ذخایر سلاح در زیرزمینی های قلعه نظامی رسانیدند. آنها با استفاده از نارنجک های دستی، چندین نفر از محافظان مربوط به "جنبش ملی- اسلامی" را به قتل رسانیدند و افراد مسلح "جنبش" نیز به شلیک متقابل ادامه دادند. این مقاومت و برخورد های متقابل به حدی شدید بود که طیاره های امریکایی و انگلیسی ناگزیر شدند مقاومت کننده گان در داخل قلعه نظامی را بکرات از بالا بمباران نمایند. قرار گزارش منابع مطلع، در جریان سه روز مقاومت

اسیران در "قلعه جنگی" محلِ مذکور بیشترازی مرتبه مورد بمباران شدید هوایی قرار گرفت.

نیروهای ویژه و افرادِ کماندوی مسلح امریکایی و انگلیسی، به مشکل توانستند شورشیان را سرکوب کنند. در همان زمان گفته شد که تلفاتِ جانی گروه طالبان و متحدین خارجی آنها در "قلعه جنگی" بالغ بر پینجصد نفر گردید و تلفاتِ جنگجویانِ ضد طالبان، بیشترازی کصد نفر خوانده شد.



نمای بیرونی قلعه جنگی مزار



اجساد کشته شده های طالب در داخل قلعه جنگی مزار

باساس اظهارات منابع مطلع در آن زمان، حدود دو تا سه هزار تن از اسیرانی که از عملیات سرکوبگرانه زنده مانده و در "قلعه جنگی"، یکی دیگر از قلعه های نظامی واقع در شمال شهر مزار ویا زندان شبرغان اسیر شده بودند، در روز های بعدی بفرمان صلاحیت داران نظامی، توسط ترک ها و کانتینرهای بزرگ، از زندانهای مذکور به سوی "دشت لیلی" انتقال داده شده، جوقه جوقه تیر باران و درزیر خاک مدفون شدند. این درحالی بود که یکتعداد رهبران و فرماندهان گروه طالبان، یا در نتیجه اعمال نفوذ خارجی ها و یا بوسیله پرداخت پول گزاف نجات یافتند. جالب این بود که بعضی از عناصر امریکایی نیز که از مباران هوایی و عملیات سرکوبگرانه در مزار زنده مانده بودند، شناسایی شده و پس از معالجه و مداوا به زودی به مقر نیروی بحری امریکا در جنوب افغانستان فرستاده شدند.

یکی از آن ها بنام "جان واکر" بود که با گروه طالبان و افراد القاعده در زیر زمینی های



جان واکر

"قلعه جنگی" پنهان شده و از ضربات بمب و گلوله زنده مانده بود. وجود این امریکایی الاصل در میان تروریستهای اجیر شده، آنهم هزاران کیلو متر دور از زادگاهش، بالذات مرموز و سؤال برانگیز بود.

علاوتاً، تعدادی از کارشناسان (سی.آی.ای) و (انتلجنت سرویس انگلیس) نیز در مزار حضور یافته در بخشهای مختلف، بخصوص در قسمت تحقیق و شناسایی افراد داخل فعالیت شدند. بهمین سلسله، یکی از کارمندان سی آی ای بنام "مایکل اسپین" سی و دو ساله، حینیکه میخواست دسته یی از طالبان را مورد پُرس و جو قرار دهد، در اثر انفجار "نارنجک" یا بم دستی که توسط یکی از افراد طالبان بگونه انتحاری انجام داده شد، به قتل رسید و چهارتن از گروه خاص کماندویی امریکا شدیداً زخمی شدند.



تعدادی از طالبان اسیر شده در مزار

آنچه در آن روزها بسیار جالب بود، این بود که رسانه های جهان غرب یا مطبوعات کشور های یزیدخل، آنقدر روی قضیه " جان واکر" امریکایی توجه بخرچ دادند که مرگ صدها یا هزارها نفر دیگر در مزار و قندوز را عمداً به فراموشی سپردند. بالاخره، حاکمیت طالبان، به روزنهم در شهر مزار و به تاریخ یازدهم نوامبر در سمنگان پایان یافت.

در بحبوحه این تلاشها، حوادث دیگری نیز در اینجا و آنجا رخ میدادند. مثلاً، منابع خبری گفتند که شب بیست و هفتم ماه نوامبر، یعنی پس از تصرف تالقان توسط نیروی های "ائتلاف شمال"، تعدادی از افراد مسلح، درب منزلی را کوبیدند که "الفسترانگبرگ" عکاس چهل و

دو ساله سویدنی در آن میزیست. باساس گزارشها، عکاس مذکور همینکه دروازه را می گشاید، با گروپی از مردان مسلح مواجه میشود و دروازه را به شدت می بندد، ولی افراد مسلح، از عقب دروازه بالای وی شلیک نموده او را به قتل میرسانند. در گزارش آمده بود که منظور تفنگداران از این عمل، سرقت پول و وسایل داخل منزل مذکور بوده است. باز هم هدف و ماهیت دقیق حمله آوران در تحت چنان شرایط نا استوار جنگی معلوم نشد.

همچنان، بتاريخ سیزدهم ماه نوامبر، رادیو فرانسه گفت که سه تن از خبرنگاران آلمانی و فرانسوی بنام های " ستون " سی و چهار ساله، " پییریلود " سی و یک ساله و " هندلویک " چهل ساله، در اثر کمین گروهی از طالبان شکست خورده در " خواجه بهالدین " مربوط ولایت تخار به قتل رسیدند. خبرگزاری " رویتر " به روز بیستم ماه نوامبر اطلاع داد که چهار تن از ژورنالیستها که از پاکستان به طرف افغانستان رهسپار بودند، موتر حامل شان در مسیر راه توسط شش نفر تفنگدار متوقف گردید و همینکه سه نفر ژورنالیست خارجی و یکتن از عکاسان همراه آنها را از موتر پیاده کردند، بلا درنگ بالای آنها شلیک نموده و همه آنان را به قتل رسا نیدند. ژورنالیستهای مقتول بنام های " هری برثن " آسترالیایی، " جولیو فینتیز " هسپانوی، " ماریاکتولی " ایتالوی و " حیدری " افغان یاد میشدند. (13)

تذکر این نکته نیز ضروریست که امریکا، موازی با آغاز عملیات نظامی در افغانستان، یکمقدار مواد خوراکی و گاهی هم لباس و پوشاک را بنام " کمکهای انساندوستانه "، توسط طیاره های (سی - 17) و در جهت اقدامات تبلیغاتی، از فضا به پایین پرتاب میکرد. چنانکه منابع رسمی امریکا در اواخر ماه نوامبر اعلان کردند که " امریکا تا حال مقدار سی و چهار هزار و چهار صد و چهل خریطه حاوی مواد خوراکی و مجموعاً به تعداد دو میلیون بسته از این مواد را در افغانستان فرو ریخته است. " و اما در عین حال، در همین تاریخ این خبر هم شنیده شد که یکی از صندوق های حاوی مواد خوراکه و کمپل که توسط " فراشوت " از فضا پرتاب شده بود، بالای یکی از منازل رهائشی فرود آمده موجب مرگ یک زن افغان در مزار شریف شده است. "



سربازان ائتلاف شمال حین مارش در خیابان های شهر کابل